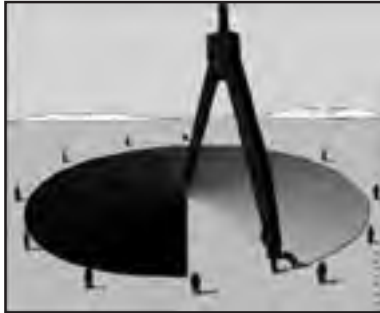


حامی کارآفرین و کارگر

در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مسأله حمایت از نیروی انسانی و کارآفرینان باید مورد توجه قرار گیرد



ایجاد اشتغال جدید در کشور با هدف کاهش صفوف بیکاران، از ایجاد دو مشکل یاد شده نیز ممانعت به عمل آید. تاکنون از خصوصی سازی سال‌های گذشته، نتیجه مطلوبی به دست نیامده است، زیرا کسانی که واحدهای دولتی واگذار شده را تحویل گرفته‌اند، با شرایط نامساعدی به شرح زیر مواجه شده‌اند.

- ازدیاد نیروی انسانی موجود نسبت به نیازهای واحد مربوطه.
- کم کاری کارگران به سبب عدم آشنایی با فن آوری های جدید.
- پایین بودن سطح بهره‌وری و در نتیجه، پایین بودن میزان تولید.
- بالا بودن قیمت تمام شده کالا و عدم قابلیت رقابت آنها در بازار.
- تولید محصولاتی که در بازار خریداری ندارند.
- بالا بودن سطح ضایعات.

تردیدی نیست که بخش خصوصی که در کنار هدف پیشرفت اقتصادی کشور، علاقه مند به کسب نفع در قبال سرمایه‌گذاری خویش است، چنین شرایطی را بر نمی‌تابد و به همین لحاظ، به محض تحویل واحد مورد نظر و مطالعه و بررسی وضع موجود، به اقداماتی به شرح زیر دست خواهد زد.

- (۱) نیازسنجی در قسمت‌های مختلف واحد.
 - (۲) تنظیم برنامه‌هایی برای استفاده بهینه از نیروی انسانی و کاهش نیروی انسانی زاید.
 - (۳) تغییر خطوط تولید و کاهش آنها در جهت تولید محصولاتی جدید و مورد علاقه و نیاز بازار.
 - (۴) استفاده از فن آوری جدید به منظور کاهش نیاز به نیروی انسانی و کاهش ضایعات.
- بی تردید این قبیل اقدامات که هم از نظر پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور و هم از لحاظ تحقق اهداف خصوصی سازی لازم و ضروری هستند، با هدف افزایش اشتغال مغایرت داشته و به ثمربخش شدن اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ نیز لطمه وارد می‌سازد. لذا ضرورت ایجاد می‌کند که همزمان با اقداماتی که در جهت اجرای سیاست‌های یادشده انجام می‌پذیرد، یک رشته تدابیر اندیشیده شود.

تا بدین ترتیب، سرمایه‌ها در دست گروه معینی جمع نشده و انحصار جدیدی ایجاد نگردد.

(۴) آموزش و آماده سازی گروهی که تاکنون در کنار گود بوده و قصد دارند مدیریت واحدهای جدید را عهده‌دار شوند. به موازات، آموزش کارگران با تکنولوژی و فن آوری نوین در جهت تولید بیشتر و با کیفیت بهتر.

(۵) فراهم آوردن شرایط لازم برای حفظ و توسعه نیروی انسانی و پیشگیری از هرگونه بهره‌کشی و اخراج‌های بدون توجیه.

(۶) بهبود شرایط اداره واحد واگذار شده و تلاش برای استفاده از فن آوری جدید در واحدهایی که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند.

به نظر می‌رسد با اتخاذ تدابیر یادشده، می‌توان سیاست‌های اصل ۴۴ را به نحو اطمینان بخشی جامه عمل پوشاند. در این میان، برای اجرای این تدابیر و به ویژه نظارت بر اجرای آنها، دولت می‌تواند از تشکلهای کارفرمایی و کارگری استفاده کند. این همکاری می‌تواند در ارتباط با شناخت دقیق واحدهای مشمول واگذاری و شرایط آنها و انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم برای شناخت این واحدها، راهنمایی کارفرمایان در انتخاب الگو و روش‌های علمی مدیریت و برنامه‌ریزی و آماده سازی آنان برای پذیرش شرایط جدید صورت گیرد.

از سوی دیگر، تشکیل همایش‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی برای مدیران جدید واحدهای واگذار شده با هدف افزایش آگاهی آنان از چگونگی اداره امور بنگاه‌ها، تدوین استانداردهای مورد نیاز بنگاه‌های واگذار شده به بخش خصوصی، آگاه ساختن نیروی انسانی با آخرین تحولات و پیشرفت‌های علمی، بستر سازی همکاری‌های نهادی دولتی با بخش خصوصی در تدوین استراتژی‌های درون بخشی و اصلاح ساختار سازمانی و در نهایت، تشویق همگان به مشارکت در اجرای سیاست‌های جدید از دیگر راهکارهای افزایش موفقیت اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ می‌باشند.

نکته مهمی که در ارتباط با هدف دولت در زمینه واگذاری واحدها و شرکت‌های دولتی باید مورد توجه قرار داد، چگونگی اقدام بخش خصوصی در نیل به اهداف خصوصی سازی دولت می‌باشد. در واقع، هدف دولت در این رهگذر، جنبه‌های مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به بستر سازی برای افزایش اشتغال و بکارگیری جویندگان کار اشاره کرد؛ به ویژه این که در شرایط کنونی، استخدام افراد جدید در واحدهای وابسته به دولت از یک سو موجب متورم شدن بدنه دولت و از سوی دیگر، موجب تورم بیش از پیش در جامعه می‌گردد. بدین لحاظ باید چاره‌ای اندیشیده شود که ضمن

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در حقیقت، گام جدید و استواری به سوی اقداماتی است که هدف اساسی آن مشارکت قاطبه ملت ایران در فعالیت‌های اقتصادی در جهت رونق اقتصادی کشور می‌باشد. لذا نیل به این هدف مهم و اساسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا می‌تواند پویایی قابل ملاحظه‌ای به اقتصاد کشور بخشیده و جنبه رقابتی آن را افزایش دهد.

اهمیت دیگر این اقدام، کاهش وظایف تصدی‌گری دولت و تبدیل آن به وظایف حاکمیتی و نظارتی است. بر اساس برخی برآوردها، نقش و سهم دولت و واحدها و شرکت‌های دولتی در اقتصاد کشور بیش از ۸۰ درصد است. در عین حال، وجود دولتی با چنین ثروت و سرمایه عظیمی که خود هم سازنده و هم نظارت کننده است، موجب شده تا با بالا رفتن قیمت تمام شده محصولات تولیدی و پایین بودن کیفیت آنها، توان رقابتی محصولات و کالاهای ایرانی در بازارهای بین‌المللی و جهانی، به شدت کاهش یابد.

این وضع نمی‌توانست ادامه یابد. در واقع، تغییر شرایط اقتصادی - اجتماعی کشور و لزوم مشارکت گروه‌های مختلف فعالان، کارآفرینان و کارفرمایان در جبهه اقتصادی برای رفع بیکاری از طریق ایجاد اشتغال و سرعت بخشیدن به چرخه تولید، ایجاد می‌کرد که درها گشوده شده و آنانی که سال‌ها در پشت درهای بسته ایستاده بودند و یا فعالیتی نداشتند و یا این که فعالیتشان در دگرگونی شرایط کشور تأثیرگذار نبوده، وارد شوند و چرخه تولید را به حرکت درآورند. و چنین شد.

به عبارت دیگر، ابلاغ سیاست‌های مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه را بدین منظور هموار ساخت. ولی این کافی نبود، زیرا آنان که باید واگذار می‌کردند، به مکانیزم کارخانه چنان که باید وارد نبودند و در عین حال، بعضاً در انجام این امر مردد و دودل بودند. آنهایی هم که تحویل می‌گرفتند، به بسیاری از رموز اداره آنچه که به دست آورده بودند، آگاهی نداشتند و ندارند. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که در این راه، گام‌های دیگری برداشته شده و اقداماتی جدی به عمل آید. این اقدامات را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

(۱) فراهم سازی زمینه و بستر لازم برای آگاهی دو طرف از نتایج سیاست‌های جدید دولت در مسیر اصل ۴۴.

(۲) اتخاذ تدابیر منطقی و برنامه‌ریزی شده برای انتقال واحدهایی که واگذار می‌شوند و تعیین ضوابط و معیارهایی بدین منظور.

(۳) فراهم آوردن شرایطی که در آن همگان بتوانند در خرید سهام عرضه شده در بورس شرکت نمایند،

روس‌ها با منفی ۸/۸ درصد و سوازیلندی‌ها با منفی ۲۳ درصد، کمترین نرخ واقعی بهره بانکی را می‌پردازند. بر اساس این گزارش، در میان کشورهای در حال توسعه، برزیل با ۴/۷۸ درصد بیشترین نرخ واقعی را می‌پردازد. پس از این کشور، مالاوی با نرخ ۱/۷۲ درصد، در رتبه دوم قرار دارد. در ایران نرخ بهره اسمی بانک‌های دولتی ۱۶ و بانک‌های خصوصی ۲۴ درصد است. البته متوسط اسمی بهره در کشورمان (۲۰ درصد) با احتساب تورم ۱۲ درصدی اعلام شده توسط دولت به ۸ درصد به صورت واقعی کاهش می‌یابد. ولی با حساب تورم‌های بالاتر به صفر نزدیک می‌شود. اما آقای منصور خاکی، مدیر کل امور بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارایی، سود بانکی را تابعی از قیمت منابع مالی در اختیار بانک‌ها دانسته و به خبرنگار «اقتصاد ایران» می‌گوید: این منابع از سه بخش منابع سهامداران بانک‌ها، منابع دولت در بانک‌ها و منابع سپرده‌گذاران تکمیل می‌شود.



وی با اشاره به این موضوع که بانک مرکزی کشورهای جهان بر مبنای شرایط اقتصادی و برای تسریع و توسعه فعالیت‌های اقتصادی اقدام به کاهش یا افزایش نرخ‌های بهره بانکی می‌کنند، تأکید می‌کند:

در کشورمان نیز دولت به منظور کاهش تورم و دسترسی عموم به ویژه تولیدکنندگان به منابع و تسهیلات ارزان، اقدام به کاهش نرخ سود تسهیلات کرده است، ولی به اعتقاد خاکی، بالاتر بودن نرخ سود تسهیلات بانکی در ایران در مقایسه با دیگر کشورها، موجب شده تا تولیدکنندگان کشورمان در مقایسه با رقبای خارجی از قدرت رقابت کمتری برخوردار باشند.

در این میان، فعالان اقتصادی بخش خصوصی معتقدند، دولت در حالی که ادعای کاهش نرخ بهره با هدف کمک به تولید را تبلیغ می‌نماید، اما عملاً موتور افزایش نرخ بهره را از طریق تشویق فعالیت‌های فاسد سوداگرانه باز گذاشته و به نوعی، بستر توسعه دلالتی وام‌های بانکی را فراهم کرده است. در این میان، اگرچه کارشناسان مستقل و شورای عالی هماهنگی بانک‌ها مخالفت خود را با کاهش دو درصدی نرخ سود بانکی توسط شورای پول و اعتبار اعلام کرده و نسبت به عواقب ناگوار آن هشدار داده‌اند، اما رییس کل بانک مرکزی تأکید کرده است که دولت بر اجرای سیاست کاهش نرخ سود بانکی اصرار دارد. این در حالی است که ارزیابی سیستم بانکی نشان می‌دهد شرایط برای کاهش احتمالی نرخ سود بانکی مناسب نبوده و این عمل موجب افزایش فشار بر سیستم بانکی و گسترش رانت و فساد به ویژه برای کسانی می‌شود که به تسهیلات دسترسی دارند. این سیاست در کنار رشد بی‌رویه نقدینگی به آشفته‌گی سیاست‌های پولی دامن زده است.

می‌کند به واحدها و کارگاه‌های کوچک و متوسط توجه بیشتری مبذول گردد. اقدام دیگری که می‌توان انجام داد، برخورداری واقعی از بیمه بیکاری است. در واقع، می‌توان کلیه کارگرانی را که در اثر اجرای سیاست‌های مذکور شغل خود را از دست می‌دهند، با برخورداری از بیمه بیکاری، مورد حمایت قرار داد. بدین منظور، می‌بایست در لایحه قانونی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که هم اکنون در دولت در دست بررسی است، مسأله حمایت از نیروی انسانی مورد توجه بیشتری قرار گرفته و راهکارهای منطقی‌تری پیش‌بینی شود.

آشفته‌گی در سیاست‌های پولی

ارزیابی کارشناسان از کاهش نرخ سود بانکی

منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی می‌رفت، در سال گذشته محقق نشد، به خبرنگار «اقتصاد ایران» می‌گوید: کاهش تورم و هزینه‌های تولید، اهداف اولیه و ثانویه طرح منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بودند. اما اگرچه در سال گذشته نرخ سود تسهیلات کاهش یافت، بر عکس، نرخ تورم افزایش پیدا کرد. برخی برآوردها نشان داده‌اند نرخ تورم قابل لمس برای جامعه به ۱۷ درصد رسیده است.



عادل آذر ادامه می‌دهد: گرچه نتیجه تحقیقات اقتصادی نشان داده است نرخ سود تسهیلات بر نرخ تورم تأثیرگذار است، اما اگر این اتفاق به شکل کاذب و صوری انجام شود، ارزش پول و پس‌انداز مدام کاهش خواهد یافت.

این نماینده مجلس در عین حال هشدار می‌دهد: اگر دولت بر تداوم سیاست کنونی در مورد کاهش نرخ سود تسهیلات اصرار ورزد، بانک‌های دولتی به مرز ورشکستگی خواهند رسید، زیرا یا بدهی‌های آنها به بانک مرکزی افزایش خواهد یافت و یا ناچارند به سمت استقراض از بانک‌های خصوصی حرکت کنند تا تکالیف اجبار شده از سوی دولت را اجرا نمایند.

مقایسه نرخ سود کشورها

بانک جهانی در گزارشی با مقایسه نرخ سود بانکی در ایران و نرخ واقعی بهره در کشورهای در حال توسعه، اعلام کرده است که ایران پس از برزیل و مالاوی، بیشترین میزان نرخ سود بانکی را در بین کشورهای در حال توسعه دارد. البته نرخ واقعی بهره در کشورهای در حال توسعه ارقام متفاوتی را به خود اختصاص داده است. برای مثال، ونزوئلا با منفی ۲۱ درصد، کمترین میزان نرخ بهره را در اختیار دارد. پس از این کشور،

همان طور که خاطر نشان شد، با اجرای سیاست‌های ناظر بر اصل ۴۴ قانون اساسی، اقداماتی انجام می‌پذیرد که نهایتاً به سود نیروی انسانی و حمایت از وی نخواهد بود. لذا ضرورت ایجاد می‌کند که قبل از هرگونه اقدامی، یک رشته تدابیر حمایتی بدین منظور اتخاذ گردد تا با آزادی اقتصادی و هدف‌های سیاست‌ها مغایرت نداشته باشند.

اهم این تدابیر، فراهم آوردن زمینه فرهنگ‌سازی در زمینه لزوم سرمایه‌گذاری می‌باشد. بدین منظور باید بسترهای مورد نیاز برای تشویق کارآفرینان فراهم شود. در عین حال، با توجه به وضع مالی موجود و نیاز سرمایه‌های بزرگ صنعتی، ضرورت ایجاد

یکی از مباحثی که در نظام بانکی هر کشوری اهمیت فراوانی دارد، تعیین نرخ سود (بهره) بانکی است. در تعیین نرخ سود بانکی، باید حقوق و انتظارات هر سه گروه سپرده‌گذاران، دریافت‌کنندگان تسهیلات و بانک‌ها را لحاظ کرد. هم‌اکنون دو روش عمده برای تعیین نرخ سود بانکی وجود دارد. در روش اول، تعیین نرخ سود به عرضه و تقاضای پول در بازار واگذار می‌شود. در این شرایط، بانک‌ها به طور آزادانه در بازار پول و سرمایه فعالیت می‌کنند و متناسب با کشش عرضه و تقاضای پول، نرخ سود تعادلی تعیین می‌گردد. اما در روش دوم، تعیین نرخ سود بانکی با توجه به شرایط خاص اقتصادی، به صورت دستوری تعیین می‌شود.

هم‌اکنون در ایران، نرخ سود بانکی به صورت دستوری و توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. سال گذشته شورای پول و اعتبار پس از مصوبه مجلس در خصوص منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی و تک‌رقمی کردن این نرخ در آفق برنامه چهارم توسعه، نرخ سود تسهیلات بانک‌های دولتی را با دو درصد کاهش از ۱۶ به ۱۴ درصد و بانک‌های خصوصی را با پنج درصد کاهش از ۲۲ به ۱۷ درصد رساند. مجلس هفتم و دولت نهم با کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، انتظار داشتند نرخ تورم و هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری در کشور کاهش پیدا کند. اما براساس آخرین گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم کشور در سال ۸۵ نسبت به سال ۸۴ افزایش یافته و در پایان سال گذشته به ۱۴ درصد بالغ شده است. مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی نیز نرخ تورم سال گذشته را بیش از ۲۱ درصد برآورد کرده است.

بانک‌ها و مرز ورشکستگی

برخی از کارشناسان معتقدند اجرای طرح کاهش ۲ درصدی نرخ سود بانکی بدون توجه به نرخ تورم، پیامدهای زاینباری برای اقتصاد ملی به دنبال خواهد داشت. دکتر عادل آذر، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس، با بیان این که انتظاری که از قانون